

مقاومت فلسطین در برابر سرکوب و تحقیر

عطاءالله مهاجرانی - بنام خدا، در مجلس چهارم قانونی بنام قانون حمایت از انقلاب پایداری فلسطین به تصویب رسید، در این قانون پیش‌بینی شده بود کمیته‌ای که مسوول آن نماینده ریاست جمهوری به همراه نماینده‌ای از مجلس شورای اسلامی و معاون وزارت امور خارجه تشکیل شود، از صداوسیما و وزارت ارشاد در آن نیز شرکت داشتند، به طور کلی مجموعه‌ای از دستگاه‌ها و سازمان‌هایی بود که با مساله فلسطین ارتباط داشتند.

آن زمان من معاون رییس جمهور بودم، در واقع این کمیته در سال هفتاد در حوزه‌های مختلفی به فعالیت مشغول شد، با توجه به اینکه یک بخش کار ما، کار پژوهشی بود، تصمیم گرفتیم با همکاری دائره‌المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر آیت‌الله بجنوردی، دائره‌المعارف فلسطین تدوین گردد.

بعد از بررسی، متوجه شدیم دائره‌المعارف‌های فعلی که به فلسطین و موضوع‌های آن پرداخته است، وجه اسلامی آن که مورد نظر ما بود، مشهود و بارز نبود و بیشتر وجه تاریخی و ملی و حتی وجه غیر دینی آن نمود داشت، پس دائره‌المعارف کتابخانه استثنایی برای فلسطین در کشورمان تاسیس شد، به نظر من این کتابخانه مهمترین مرکز و

در گفت‌وگویی با

دکتر سید عطاءالله مهاجرانی

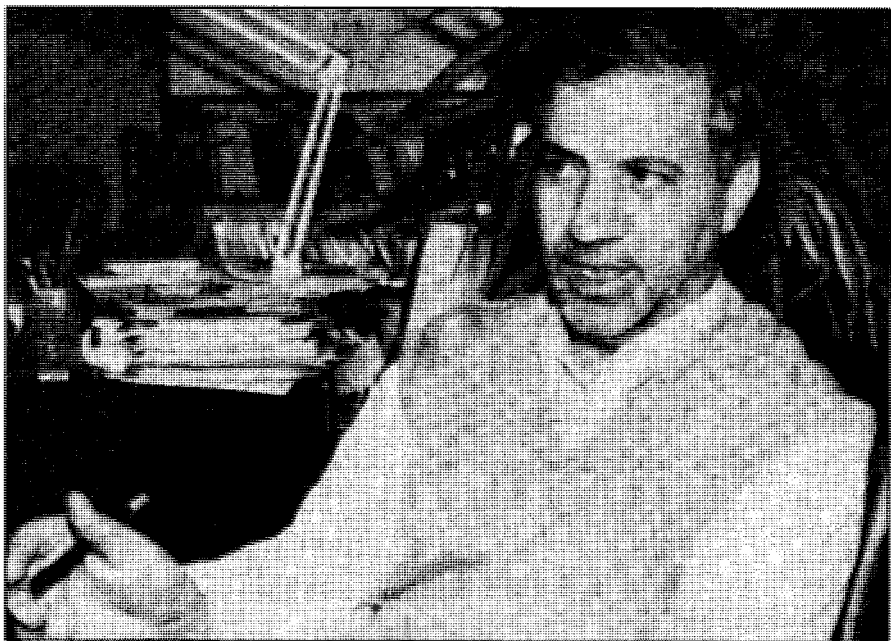
■ رییس مرکز گفت‌وگوی

تمدن‌ها

دکتر سید عطاءالله مهاجرانی مسوول سابق کمیته «حمایت از انقلاب اسلامی فلسین» و رییس کنونی مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها، در فرصتی که حاصل شد، پیرامون شرایط آغاز انتفاضه دوم و مبارزات رهایی بخش مسلمانان تحت ستم فلسطین با مجله «حضور» به گفت‌وگو نشست.

در این گفت‌وگو، رییس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها از فعالیت‌های فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی کمیته فلسطین در دهه ۱۳۷۰ سخن می‌گوید و ابعاد گوناگون مبارزات مردم فلسطین علیه صهیونیست‌های غاصب را بررسی می‌کند.

حضور: جناب دکتر مهاجرانی، با توجه به اینکه در کابینه قبلی مسؤلیتی برعهده داشته و تحقیقات، مطالعات و دیدارهایی با مقامات فلسطینی داشته‌اید. چه فعالیت‌هایی در آن کمیته صورت گرفت؟



آرشیو کتاب در مورد فلسطین است، یکی دیگر از فعالیت‌های این کمیته، فعالیت پژوهشگران در مورد فلسطین بود. کمک می‌کند.

یک بخش دیگر از فعالیت ما کمک به تبیین مساله فلسطین از طریق کمک به ساخت فیلم بازمانده بود، به عنوان کمیته فلسطین با آقای سیف‌الله‌داد وارد گفت‌وگو شدیم، بالاخره سناریوی فیلم نوشته شد و قرار بر این شد که این فیلم در سوریه هم فیلمبرداری شود که به دلیل کمبود هزینه‌ها، با سازمان صداوسیما صحبت‌هایی شد و این سازمان هم در هزینه‌ها مشارکت کرد.

حوزه دیگر کار ما همکاری با بنیاد شهید و رسیدگی به گروه‌های مختلف فلسطینی بود که به خانواده‌های فلسطینی که در سوریه، لبنان واردن زندگی می‌کردند، به خانواده‌های

مثل عملیات استشهادی اتفاق افتاده است، با توجه به دیدگاه فرهنگی شما، نظرتان راجع به ابعاد تازه انتفاضه فلسطین در کنار عملیات استشهادی و حرکت‌های فرهنگی چیست؟

□ بخشی از فعالیت کمیته فلسطین: کمک به تبیین مساله فلسطین از طریق کمک به ساخت فیلم «بازمانده» به کارگردانی سیف‌الله داد بود.

□ من گمان نمی‌کنم هیچ ملتی در قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم به اندازه فلسطینیان آسیب و ظلم و ستم دیده است.

عطاءالله مهاجرانی - مطلب قابل توجه این است که بدانیم حرف اصلی فلسطینیان چیست و آنان چه مسایلی را مطرح می‌کنند و چه ادعاهایی دارند، آیا ادعای آنان عادلانه است یا نه، واقع‌گرایانه است یا نیست، فلسطینیان مردمی‌اند که آنان را از سرزمین خودشان بیرون کرده‌اند، خانه‌هایشان را تصرف کرده‌اند، و بعدها در معرض شدیدترین سرکوب‌ها و تحقیرها قرار گرفته‌اند، من گمان نمی‌کنم هیچ ملتی در قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم به اندازه

و تشخیص ما هم در آن مقطع این بود که بهترین رسانه‌ای که می‌شد روی آن حساب کرد، یک رسانه مؤثر تلویزیونی بود که توسط بنیاد شهید و عده‌ای از افراد اهل نظر و هنرمند به نام «المنی» در لبنان تأسیس شده بود. منتهی در شرایطی مقدماتی بود که ما از طریق کمیته فلسطین برای اینکه این تلویزیون رونق بهتری پیدا کند هزینه‌های قابل توجهی را تأمین کردیم، خوشبختانه امروزه این رسانه به عنوان یک تربیون مؤثر در عرصه اطلاع‌رسانی فلسطین عمل می‌کند. این مجموعه کارهایی بود که در آن موقع انجام گرفت، البته از سال ۷۶ به وزارت ارشاد رفتم، طبیعی بود که مسؤلیت کمیته به شخص دیگری واگذار شود، اکنون آقای شریعتی که سفیر ما در سازمان کنفرانس اسلامی است، مسؤل این کمیته می‌باشد و حرکت‌های مختلفی در آن کمیته پیگیری می‌شود.

حضور: با توجه به اینکه شما را به عنوان یک شخصیت فرهنگی می‌شناسد، طبیعی است در این زمینه فعالیت کرده باشید که در دانشنامه فلسطین، این مساله مشهود است که جلد اولش به چاپ رسیده است، اما امروزه با شرایط تازه‌ای روبرو هستیم به نام انتفاضه دوم، بعد از انتفاضه دوم، برخوردهای نیروهای انقلابی با رژیم صهیونیستی پررنگتر شده و موضوع تازه‌ای

شود، این کتاب در اردن به نام «مکان تحت الشمس» به عربی ترجمه شد. از طرف دیگر شاهدیم که دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی متأسفانه نتوانسته‌اند حمایت لازمی از فلسطینیان انجام دهند.

□ **علیرغم این همه سرکوب، تحقیر و آسیب که فلسطینیان دیده‌اند، کشورهای اسلامی حتی حاضر به قطع ارتباط به شکل سمبلیک از اسرائیل نشده‌اند.**

□ **در صورت شناخت است که فلسطین می‌تواند آزادی خود را بدست آورد.**

می‌توان گفت تقریباً فلسطین تنه‌است و هیچکس صدای آنان را به درستی نمی‌شنود، اگر هم صدایی شنیده می‌شود صدای جوانان و مردمی است که به گونه‌ای تصمیم دارد برای دفاع از حق خودشان از جان نیز بگذرند، در واقع عملیات استشهادی یعنی اینکه یک نفر در برابر تحقیر، سرکوب و ظلم و ستم جانش به لب برسد، در اصطلاح فارسی نیز جان به لب رسیده را داریم که جان انسان به لب می‌رسد و از جان خودش صرفه‌نظر می‌کند که عزت و افتخار را برای خودش کسب نماید، بالاخره شاید مهمترین مهتری که در دل هر کسی می‌جوشد یا

فلسطینیان آسیب و ظلم‌وستم ندیده‌اند، به طور مثال آنچه در اردوگاه جنین اتفاق افتاد، جریان از این قرار بود که فردی زخمی می‌شود، به آمبولانس‌ها اجازه نمی‌دهند بیایند و فرد زخمی را به بیمارستان ببرند. تا اینکه شهید می‌شود، حتی اجازه دفن را هم ندادند، همه اینها نشانه‌هایی از تحقیر و ایجاد رعب و وحشت از طرف اسرائیلی‌هاست، شروع انتفاضه دوم هم کاملاً برنامه‌ریزی شده بود و این همزمان بود با موقعی که شارون با تعداد قابل توجهی از محافظان و گاردها و نظامیان اسرائیلی وارد مسجدالاقصی شد، به همین خاطر هم انتفاضه دوم به نام انتفاضه اقصی نامگذاری شد و از آن به بعد شاهد فشار به فلسطینیان هستیم، به نظر من می‌بایست، دو معادله را از یکدیگر تمیز داد، یک طرف ملتی در جستجوی حق عادلانه خود است تا در سرزمین خودش زندگی کند و طرف دیگر نیز یک دولت صهیونیستی است که مطلقاً قائل به حق‌زیست یک ملت در سرزمین خودش نیست، در همین رای‌گیری که اخیراً در حزب لیکود انجام شد و بالاخره اکثریت حزب رای دادند که دولت مستقل فلسطین نمی‌تواند در کرانه غربی تاسیس شود و این مساله تازه‌ای نبود، چون نتانیاهو که عملاً گرداننده این نظریه بود، قبلاً هم در کتابی به نام «جایی زیر آفتاب» که شامل خاطراتش هست، گفته بود که مطلقاً نباید در کرانه غربی دولت مستقل فلسطینی‌ها تاسیس

«قرضاری» به عنوان یک عالم متفکر اهل سنت، و نظریه علامه فضل‌الله به عنوان مرجع تقلید شیعه و حتی مراجع شیعی ایرانی چون حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی و... همه این علما، عملیات و حرکت استشهادی را در شرایطی که فلسطینیان قرار گرفته‌اند، تأیید می‌کنند. وجه دیگری که می‌توان برای این حرکت در نظر گرفت، در همه انقلاب‌های بزرگ دیده می‌شود، در مواردی است که خاک یک سرزمین به اشغال در می‌آید، به طور مثال موقعی که آلمان‌ها خاک فرانسه را اشغال می‌کنند و مجموعه عملیات پارتیزانی را در فرانسه بررسی می‌کنیم و در رمان‌های «ژان باختی» و حتی «پل ورکور» در «خاموشی دریا» دیده می‌شود، احساس می‌کنیم وقتی که یک نفر برای آزادی سرزمین خود، جانش را فدا می‌کند، نه تنها ضدا ارزش نبوده، بلکه ارزشمند می‌باشد.

□ **عملیاتی استشهادی با دستور کسی شروع نشده است که با دستور کسی خاتمه پیدا کند، انتخابی است که یک ملت انجام داده است.**

□ **عملیات استشهادی، تابلویی از جانفشانی یک ملت است.**

عاطفه‌ای که در وجود هر کس آشکار می‌شود، عاطفه و مهری مادری نسبت به فرزند خودش است، آن وقت دیده می‌شود که مادری فرزندش را می‌بوسید و برای عملیات استشهادی بدرقه‌اش می‌کند، باید به این سؤال جواب دهیم که چرا آن جوان برای عملیات استشهادی خودش را آماده می‌کند، چه اتفاقی افتاده است که مادرش او را بدرقه می‌کند، بحث این نیست که عملیات استشهادی ادامه پیدا کند یا نکند اولاً عملیات استشهادی با دستور کسی شروع نشده است که با دستور کسی خاتمه پیدا کند، انتخابی است که یک ملت انجام داده است، هیچکس نمی‌تواند بگوید عملیات استشهادی ادامه پیدا کند یا نکند، به خاطر اینکه وقتی شخصی از جان خودش صرفه‌نظر می‌کند، کسی نمی‌تواند برایش تصمیم بگیرد ما برای کسانی می‌توانیم تصمیم بگیریم که می‌خواهند زنده بمانند، اگر یک نفر تصمیم گرفت که از جان خودش بگذرد، طبیعی است هیچ دولتی، هیچ فرد و گروهی نمی‌تواند برایش تصمیم بگیرد، از این جهت من گمان می‌کنم ما باید عملیات استشهادی را به عنوان یک راه حل اضطراری بدانیم که یک برای بیان موجودیت، هویت و عزت خودش انتخاب کرده است. نکته دوم از نظر دینی است، علمای درجه اول اهل سنت و علمای درجه اول اهل تشیع نسبت به عملیات استشهادی فتوی داده‌اند، نظریه مفتی مصر، نظریه

دارند، چیست؟ آیا باز همان رفتارهای پیشین را در پیش بگیریم یا نیازی به تجدید رفتار و اندیشه‌ای داریم تا فلسطین را از این بن‌بست نجات دهیم؟



وقتی که یک «ویت‌کونگ» برای سرزمین خودش ویتنام به عملیات شهادت‌طلبانه دست می‌زند، وقتی یک ژاپنی در جنگ از جانش صرفه‌نظر می‌کند، و وقتی یک بودایی در ویتنام در برابر سرکوبی و خشونت آمریکایی‌ها، خودش را در برابر معبدی به آتش می‌کشانند، اینها اتفاق‌هایی است که در تاریخ بسیار افتاده است، مخلص اینکه این حرکات تابلویی از جانفشانی یک ملت است، اگر ما این حرکات را از زاویه دینی و انقلابی و از زاویه شرایط فعلی فلسطین تحلیل نکنیم و در نیابیم، طبیعی است که نمی‌توانیم در داوری منصف و جامع عمل کنیم.

حضور: در تائید فرمایش شما وقتی که شهید حسین فهمیده نارنجک را به خودش بست و به زیر تانک رفت، حضرت امام(س) این عملیات را استشهادی دانسته و گفتند: رهبر ما آن طفل سیزده ساله‌ای است که از جان خودش می‌گذرد، یا در جریان جنگ ژاپن، در قضیه بندر پرل‌هاربر که آمریکا را به جنون کشاند و به ناچار قضیه هیروشیما پیش آمد. در هر حال با توجه به اینکه این گزینه، یک گزینه ناگزیر است و دارای یک شرایط اضطراری که به آن اشاره کردید، بنظر شما چگونه می‌توانیم از این شرایط اضطراری به نفع مردم فلسطین استفاده کنیم و وظیفه ما به عنوان مردمی که علاقه عجیبی به مسائل فلسطین

عطاءالله مهاجرانی:- گمان می‌کنم مهمترین محوری که باید در مرحله اخیر به آن توجه کنیم وحدت فلسطینیان است، یعنی همه می‌بایست کمک بکنیم به اینکه در صفوف فلسطینیان یک وحدتی بوجود آید، اگر ما در عرصه فلسطین شاهد تجزیه و اختلاف نظر و تنش‌های مختلف باشیم، مطلقاً به مصلحت نیست و سودی نه برای فلسطینیان دارد نه

برای کشورهای دیگر، به همین خاطر معتقدیم با توجه به وضعیت فعلی، مقارمتی که عرفات به عنوان رهبر فلسطینیان انجام داد و در معرض انتقادهای بسیار قرار گرفت، چنانچه اینک آمریکا و اسرائیل درصدد تغییر در ساختار و سازمان الفتح و دولت خودگردان هستند.

در این مقطع می‌بایست ما به عنوان کشورهای اسلامی دفاع کنیم از دولت خودگردان، از گروه‌های فلسطینی، چون اگر این وحدت حفظ شود فلسطینیان امکان ادامه انتفاضه و بقای خودشان را خواهند داشت.

اگر شاهد گسیختگی باشیم، به طور طبیعی نیروهای فلسطینی دچار آسیب خواهند شد و از بین خواهند رفت.

به نظر من دفاع از دولت خودگردان طبیعی است. ما با خیلی از کشوره بهترین روابط را داریم و اختلاف نظرهایی نیز شنیده می‌شود، حتی ما با کشورهایی که روابط حتی استراتژیک داریم، ممکن است اختلاف نظر داشته باشیم.

دفتر و سفارت دولت خودگردان در تهران است، سفیر فلسطین به عنوان مقدم‌السفراء در جلسات مختلف حضور پیدا می‌کند، ممکن است اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد، اما گمان می‌کنم آنچه به تجدیدنظر نیاز دارد اینکه ما از واژه‌های مثل خیانت و خائن نباید به سادگی استفاده کنیم، اما در هر حال می‌باید ما شرایط فلسطینیان را درک کنیم و

به عنوان کشورهای اسلامی از فلسطین دفاع کنیم.

باید گفت که واقعاً ما شاهد حمایت تعیین کننده و مؤثری از طرف جهان اسلام نسبت به فلسطین نبوده‌ایم، فقط در حیطه شعار موضع‌گیری مناسبی داشته‌ایم، به رغم این همه سرکوب، تحقیر و آسیب که فلسطینیان

دیده‌اند، کشورهای اسلامی حتی حاضر به قطع ارتباط به شکل سمبلیک هم نشدند، حتی حاضر به قطع ارتباطات اقتصادی خود نشدند، اینها همه نشانگر این است که فلسطینیان ملت تنهایی‌اند، ما نیز نباید به

گونه‌ای موضع‌گیری کنیم که این تنهایی به تجزیه بینجامد، باید کمک کرد که این وحدت هر چه بیشتر مستحکم گردد،

همانطور که در کشور گروه‌هایی در کنار هم هستند که با هم اختلاف نظر دارند اما در چارچوب جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند پس باید بپذیریم که فلسطینیان نیز می‌توانند با هم اختلاف‌نظر داشته باشند متها باید کمک کرد که این اختلاف‌نظر تبدیل به تنش و تجزیه در ساختار فلسطین نگردد.

حضور: از چه روشهایی می‌توان بهره جست تا به وحدت مورد نظر در زمینه فلسطین برسیم و با توجه به شناخت دقیق شما از وضعیت رسانه‌های کشور ما بفرمایید که وسایل ارتباط جمعی ما چه قدمهایی می‌تواند در این زمینه بردارند؟

عطاءالله مهاجرانی: من اخیراً کتابی از آقای عبدالوهاب مسیری - یکی از فلسطینیان فلسطین شناس - خواندم که دایرةالمعارف فلسطین را تالیف کرده است. ایشان فیلسوف و جامعه شناس و فرد بسیار صاحب نظری است.

آقای «حسین هیکل» مقدمه ای بر کتاب عبدالوهاب مسیری نوشته است، کتاب عبدالوهاب مسیری در واقع پاسخ تئوریک به حرف های «فوکویاما» نیز هست. در مقدمه هیکل به این وصف ما مواجه می شویم که می گوید:

ما چه بخواهیم با اسرائیل بجنگیم و چه بخواهیم با اسرائیل صلح کنیم باید اسرائیل را بشناسیم یعنی تا شناسیم نمی دانیم باید چگونه با آن جنگید یا صلح کرد. گمان می کنم که در قضیه فلسطین ما باید فلسطین را دقیقاً بشناسیم.

وقتی اظهارنظرهای برخی را در مطبوعات می خوانم به این نتیجه می رسم که اینان شناخت کافی از فلسطین ندارند و مبانی یک سری از بحث ها را نمی دانند اخیراً با نوعی

خوشبینی نسبت به اسرائیل در این اظهارنظرها مواجه شده ام که به واقع کودکانه و سطحی است که نشان می دهد نویسنده این مقاله کتاب «نتایهاو»، «خاطرات پرز»، «خاطرات بن گوریون»، «خاطرات رابین»، «شرح الوسط جدید پرز» را نخوانده است، گمان می کند الان اسرائیل در صدد صلح است و عملیات استشهادی مانع صلح است، طبیعاً این داوری، داوری کسی است که صورت مسئله را نمی شناسد. من معتقدم یکی از مواردی که ما در مطبوعات و رسانه های خودمان به شدت از آن رنج می بریم، اطلاع رسانی سطحی و محدود کسانی است که از مسائل حرف می زنند، گاهی نیز حیرت می کنم در باره شخصی که از یک موضوع اطلاع دقیقی ندارد اما درباره آن موضوع وارد بحث و گفت و گو می شود، باید با شناخت کافی جلو رفت، در صورت شناخت است که فلسطین می تواند آزادی خود را بدست آورد.